



## مکتب فقهی امام صادق (ع) مبتنی بر جریان اصیل وحی است

یکی از امتیازاتی که در عصر امام صادق علیه السلام وجود داشت و بایستی آن را نمونه و الگوی عصر روزگار خودمان محسوب کنیم این بود که حضرت از فرصت طلایی که برایشان پیش آمد کمال استفاده را کردند.

یکی از امتیازاتی که در عصر امام صادق علیه السلام وجود داشت و بایستی آن را نمونه و الگوی عصر روزگار خودمان محسوب کنیم این بود که حضرت از فرصت طلایی که برایشان پیش آمد کمال استفاده را کردند.

خبرگزاری مهر- گروه دین و آئین-سمانه نوری زاده قصری: امروز ۲۵ شوال سالروز شهادت جانشین ششمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است. نقش امام جعفر صادق (ع) در گسترش اسلام و مکتب پر بار تشیع استثنایی است و از این جهت ایشان به عنوان رئیس مذهب جعفری معرفی شده است. گرچه هر کدام از امامان جایگاه خاص خودشان را دارند اما امام صادق علیه السلام از ویژگی خاصی برخوردار هستند. همچنان جوامع اسلامی و شیعی از دریای علم و معرفت و اخلاق و فضیلت و باورهای استثنایی آن حضرت بهره مند هستند. به مناسبت سالروز شهادت مؤسس مذهب جعفری حضرت امام صادق (ع) با حجت الاسلام والمسلمین مرتضی جوادی آملی رئیس بنیاد علوم و حیانی اسراء به گفتگو نشستیم که در ادامه حاصل آن را می خوانید:

\*نقش حضرت امام صادق (ع) در گسترش فقه اسلامی و خصوصاً فقه شیعی چه بود؟

در خصوص نقش آن حضرت در باب گسترش فقه امامیه و شیعه بایستی دانست که در دوران امام فرصت استثنایی پیش آمد. دو جریان انحرافی اموی و عباسی با هم به نزاع سیاسی و قدرت پرداخته بودند. امام علیه السلام حداکثر استفاده را داشته و به توسعه ی علوم و معارفی که از قرآن و سنت رسول گرامی اسلام پرداختند. از سوی دیگر به بسط و گسترش علوم اسلامی پرداختند و همه ی شاخه های علوم اسلامی را در باب توحید و معارف؛ در باب مباحث علوم عقلی و بیانی که ناظر به هستی شناسی جهان شناسی، انسان شناسی و نظایر آن و چه به مسائلی که به فقه به معنای عام که شامل فقه اجتماعی، فقه اقتصادی، فرق تربیتی و اخلاقی و نظایر آن است به صورت مبسوط پرداختند. در آن روزگار چون اهل تسنن حاکمیت سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آن روزگار را داشتند به جهت وسعتی که در بُعد فقه در آن زمان برای اهل تسنن وجود داشت طبیعی بود که امام علیه السلام در مصاف این افرادی که به عنوان فقه اهل تسنن، علوم اسلامی را منتشر می کردند به صحنه آمدند و شاگردانی خاص و استثنایی همانند ابان بن تغلب و زراره بن اعین و بکر و دیگر شخصیت های ممتازی که هر کدام از آنها در حوزه ی علوم اسلامی و فقه مؤثر بودند را مورد تعلیم و تربیت قرار دادند.

بنابراین نقش امام علیه السلام در تفکر امامیه و شیعه خصوصاً جریان فقه یک نقش استثنایی بود. تا قبل از امام صادق علیه السلام کسی فکر نمی کرد که مکتب تشیع که از آن به رافضی یاد می کردند، ابعاد مختلف فکری و معرفتی داشته باشند گرچه از مولا علی بن ابی طالب (ع) که دریای علم و کمال و فضائل الهی نبوی بوده است مباحثی را در حوزه ی مسائل جهان شناسی و کلام و معارف الهی همگان شنیدند که در نهج البلاغه آن حضرت، نشانه های بسیار عظیم و والایی از آن آیات بینات است که در سخنان مولا علی بن ابیطالب وجود دارد. اما به لحاظ مسائل فقهی که ناظر به احکام اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و اخلاقی و تربیتی و نظایر آن است جامعه چنان اطلاعی نداشت. اما در زمان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) این زمینه پیدا شد و این دو امام بزرگوار مبتنی بر سنت رسول مکرم اسلام و آنچه که از آیات الهی یادگار داشتند به بسط و گسترش و تبیین و تفسیر این معارف پرداختند. نشانه ها و علائمی را از اصول برای جامعه ی اسلامی و شیعی معرفی کردند که مبتنی بر آنها قواعدی به اصول دیگر اضافه شده و فقه امامیه از زمان امام باقر (ع) آغاز شد و همگان فهمیدند که این مکتب، سنتی نیست که بر اساس اندیشه های بشری ساخته باشد بلکه کاملاً مبتنی بر وحی و آنچه که از سنت رسول گرامی اسلام و آیات الهی رسیده است می باشد. لذا در مناظره ها و گفتگوها و احتجاج ها وقتی امام صادق علیه السلام از فقه نبوی و علوی و وحیانی سخن می گفتند نه تنها دیگران شاگردی می کردند بلکه از این گونه مناظره ها تعجب می کردند که چگونه این نحوه ی از استدلال و برهان مبتنی بر منابع وحیانی کتاب و سنت به این مکتب رسیده است.

امام علیه السلام در مصاف این افرادی که به عنوان فقه اهل تسنن، علوم اسلامی را منتشر می کردند به صحنه آمدند و شاگردانی خاص و استثنایی همانند ابان بن تغلب و زراره بن اعین و بکر و دیگر شخصیت های ممتازی که هر کدام از آنها در حوزه ی علوم اسلامی و فقه مؤثر بودند را مورد تعلیم و تربیت قرار دادند

احتجاج ها به عنوان ویژگی مکتب فقهی امام صادق علیه السلام بایستی که مد نظر باشد. دیگران اگر مکاتبی داشتند مثل

مکتب شافعی یا حنبلی یا حنفی بر اساس نگرش های شخصی یا گروهی شکل می گرفته است اما امام علیه السلام آنچه را که به عنوان مکتب جعفری بنیان نهاده است مبتنی بر جریان اصیل وحی است که در کتاب و سنت رسول گرامی اسلام متجلی شده است. این مکتب را نباید در کنار سایر مکاتب قرار داد و گفت که اگر ما مکتب مالکی و حنفی و شافعی و حنبلی داریم، مکتب دیگری به نام مکتب شیعی داریم. آنها ساخته ی انسان هایی هستند که در فضای علمی پرورش یافته اند اما همواره مکاتبی بشری اند و از امثال آنها فراوان تولید می شود ولی دستگاه قدرت بیش از این اجازه نداد و به همین چهار امام اهل سنت اکتفا شد. اما دستگاه مکتب جعفری علیه السلام دستگاهی است که از جایگاه وحی نشأت می گیرد و منبع مکتب جعفری را وحی الهی تأمین می کند و هرگز از جایگاه بشری حتی خود امام صادق علیه السلام هم نیست، بلکه سخنی الهی است که در قالب بیان فقهی و نظایر آن ارائه شده است.

امام علیه السلام هم در گسترش مسائل فقهی و هم در گسترش مسائل عقلی که نگرش های اصولی دین را تأمین می کند دین را به دو بخش اصول دین و فروع دین تقسیم می کنند. اصول دین را مبتنی بر براهین و ادله ی عقلی می داند و این ها را در مباحث کلامی دنبال می کنند و مسائلی که به فروع دین برمی گردد را در قالب های نقلی و سمعی ارائه می کنند که علم شریف فقه عهده دار اینها هست، اما امام علیه السلام آنچه را که برای جامعه ی بشری از علم و آگاهی و معرفت و شناخت لازم است را در قالب های برهان بیان فرموده است.

\*در احادیثی که از امام صادق (ع) نقل می شود بیشتر روی موضوعات فقهی تمرکز می شود آیا موضوعاتی نظیر تفسیر آیات قرآن و دیگر مباحث نیز نقل شده است؟

بیانات امام صادق علیه السلام گرچه بیشتر روی موضوعات فقهی متمرکز شده است اما این به جهت بسطی است که در این فضا و در روزگار امام صادق علیه السلام در این علم بوده است. بنابراین گسترش مباحث فقهی به این معنا نیست که حضرت تنها به این حوزه توجه داشته اند و به ابعاد دیگر توجه نداشته اند. بلکه بسته به نیاز جامعه از یک سو و مطالبه ای که جامعه از امام علیه السلام داشتند از سوی دیگر این توجه متفاوت بوده است. البته به صورت طبیعی رشته های سنگینی همانند هستی شناسی، جهان شناسی و نگرش های عقلی در تعداد افراد کمی وجود دارد و نوع کسانی که خدمت حضرت مشرف می شدند و کسب علم و معرفت می کردند کسانی بودند که بیشتر به مباحث اجتماعی و اخلاقی و تربیتی توجه داشتند تا مباحث هستی شناسی. لذا افرادی همانند هشام بن سالم که امام صادق علیه السلام بدین منظور آنها را تربیت می کرد یا شخصیتی همانند مؤمن الطاق که از شاگردان حضرت در مباحث کلامی بوده اند، رشد ویژه ای داشتند.

\*رویکرد امام صادق (ع) در مواجهه با فرقه های نوظهور در اسلام چه بود؟ چه سیاستی در برخورد با آنها داشتند؟

یکی از اموری که باید همواره مدنظر داشت، ظهور فرقه ها است. این فرقه ها از زمان خود پیامبر گرامی اسلام تا زمان علی بن ابیطالب و سایر ائمه علیهم السلام بوده اند. همچنین امروزه ده ها فرقه در باب مهدویت ظهور پیدا کرده است. این فرقه ها بر این اساس شکل پیدا می کند که اولاً داعیه داران دروغین و فریب دهندگان جامعه همواره در مسیری بودند که انسان ها را بفریبند و سیاست بازان و فریبکاران همواره منشأ وجود فرقه های این چنینی بودند. همانند آنچه که در بهائیت یا در وهابیت اتفاق افتاد و البته با قدرت استکباری و استعماری با ثروت و نظایر آن ها هم تشدید شد و اینگونه جامعه ی اسلامی را در هاله هایی از حیرت و نگرانی قرار داده است. از سوی دیگر مساله جهل عمومی مردم است. مردم باید چنین باوری داشته باشند که دین خودشان را ملعبه دست دنیا مداران، فریبکاران و سطحی نگران قرار ندهند. ما اگر شب و روز تبلیغ کنیم که جامعه ی اسلامی دینشان را مواظب باشند، فرقه های نوظهور منحرف به مثابه علف هرزهایی هستند که در کنار این گل و بوته ها می روید، که اگر اینها از زمین کنده نشوند چه بسا از خود آن گل و گیاه رشد بیشتری پیدا کرده و آن گل و گیاه را خفه کرده و از بین می برند. واقعاً فرقه های نوظهور همواره وجود داشتند اما ما بایستی که امروز بر اساس قدرت اسلامی و جهانی که داریم تلاش کنیم که انحرافات که دامنگیر جامعه بشری شده است را از بشریت دور کنیم.

جامعه ی اسلامی ایرانی ما نیز که بسیار جامعه ی شریف و عزیز است، عشق و ارادت به قرآن و اهل بیت در وجودشان موج می زند. اتفاقاً این احساسات و عواطف فراوان هم باعث می شود که طعمه دیگران شده و فریب دیگران را در این باب بخورند. امام علیه السلام در روزگار خودشان با پرورش نیروهای مستعد و آماده در مقابل نحله ها و فرقه ها قرار می گرفتند. حتی به دانشمندانی که می خواستند از جایگاه اسلام و قرآن و نظایر آن فتوا بدهند یا قاطعیت تمام می گفتند: «شما چه طور به خودتان جرأت می دهید که از اسلام و خدا بگوئید در حالی که حتی یک ورق هم از اسلام و حقایق دینی، قرآن، وحی خبر ندارید» حضرت با آنها با این لحن سخن می گفتند تا از انحرافات که ممکن است از ناحیه ی آنها برای جامعه ی اسلامی اتفاق بیافتد جلوگیری کنند. یکی از جریان های زشت و خبیث و آلوده ای که در عصر امام علیه السلام بود، جریان غالیان بودند. همانهایی که غلو می کردند و معاذ الله ائمه علیهم السلام را در جایگاه خدای عالم می نشانند. حضرت آنها را در حد کافران و فاسقان معرفی کردند و شیعیان را از آنها برحذر می داشتند که از این گروه ها و جریانات تبعیت کنند یا با آنها نشست و برخاست داشته باشند. به

هرحال وجود مقدس حضرت امام صادق علیه السلام همواره در خدمت دین و جامعه ی اسلامی و ملت اسلام بودند و دیگران را از انحرافات سیاسی روزگار خودشان به شدت پرهیز داده و صادق بودن را در میدان عمل و همراهی با مردم و ملت به درستی انجام دادند و طمع هایی که دیگران داشتند را با قدرت و صلابت به کنار زدند.

با بیانی که در شناخت امام و تحلیل و وجود شناسی امام در ابتدای سخن ارائه شده است مشخص شد که جایگاه علم امام یک جایگاه شخصی نیست که امام این مسائل را از کتابی یا کتابخانه ای یا استادی یا تحت تربیت افرادی به چنین جایگاه و بارگاه علمی راه یافته باشند لذا هرگز احدی در مصاف با امام علیه السلام قرار نمی گیرد. قدرت علمی امام علیه السلام همانند خورشید است و افراد در مقابل او همانند شمع هستند که حتی همین شمع هم نور خودش را از شمس می گیرد. ظرفیت های انسان ها محدودند اما آن نفسی که می تواند طرف این معارف باشد ظرف نفس الهیه قدسی ست. خدای عالم آن را از یک بسط و گستردگی برخوردار می کند که بتواند این گونه معارف و علوم را داشته باشد. لذا او عالم اولین و آخرین است. جناب مالک بن انس که از شاگردان مکتب امام صادق است گرچه خود به عنوان فقیه مدینه شناخته شده بود و یکی از ائمه اهل تسنن است اما به عظمت و والایی و علم و آگاهی آن حضرت اعتراف می کند و می گوید احدی به وزن این شخصیت علمی وجود ندارد. با توجه به شخصیت امامت در اندیشه ی مکتب تشیع روشن می شود که همانطور که در زیارت جامعه آمده است ائمه مخازن اسرار الهی و مامن علم خدا و ظرف معارف الهی هستند.

مرحوم شیخ عزیزالله عطاردی مجموعه ی مسند امام صادق علیه السلام را در بیست و دو مجلد به چاپ رساندند که فرمایشات امام صادق علیه السلام در این مسند گرد هم آمده است

\*چرا با وجود احادیث زیاد از امام صادق (ع) سخنان آن حضرت در کتابی مثل نهج البلاغه جمع آوری نشده است؟

مرحوم شیخ عزیزالله عطاردی مجموعه ی مسند امام صادق علیه السلام را در بیست و دو مجلد به چاپ رساندند که فرمایشات امام صادق علیه السلام در این مسند گرد هم آمده است. گرچه در هر دوره ای از دوران حیات مکتب تشیع، عالمان و فرزندان به این امر پرداختند و آثار ارزشمندی را حول شخصیت امام صادق علیه السلام ارائه نمودند اما این روزگار ما و در نظام اسلامی الحمدلله منتشر شد و در سال ۱۳۸۴ این کتاب به بازار آمد. ایشان از علما و فرزندان استان خراسان و شهرستان قوچان بودند و این خدمت عظیم ایشان در پیشگاه اهل بیت خصوصاً امام صادق علیه السلام هرگز بدون اجر نخواهد ماند.

\*عامل پیروزی حضرت امام صادق (ع) در مناظرات با دیگر ادیان از نظر فقهی و علمی چه بوده است؟

اگر به عظمت علمی آن حضرت توجه کنیم ملاحظه می کنیم که مناظراتی که در حقیقت از آن امام علیه السلام به یادگار مانده است نه از باب این است که یک امام با شخصی ولو هر چه عالم باشد به مناظره بپردازند چون مناظره وقتی ست که دو نظر در مقابل هم باشند و بخواهند یک تقابلی ایجاد بشود اما یک نظری که آسمانی و وحیانی ست و ریشه در وحی الهی دارد نمی تواند در برابر و مصاف با نظر بشری که از اندوخته های انسانی بهره مند است قرار بگیرد بنابراین این تعابیر را ما نمی توانیم برای یک امام که شاخص امامت الهیه را دارد، قرار بدهیم.

\*چه بزرگانی از اهل سنت شاگرد امام صادق (ع) بودند؟ چه عاملی باعث شد که این وحدت رویه در فقه شیعی و اهل سنت در زمان حضرت ایجاد شود؟

شاگردان امام علیه السلام از همه ی مکاتب بشری بودند. حتی یهودی و مسیحی هم بودند و از عالم اسلام فرقه های مختلف اهل تسنن بودند و البته شاگردان خاص و ویژه ای که در حوزه ی مکتب امام صادق علیه السلام تربیت شدند و مبتنی بر میانی شیعی رشد کردند گفته شده است که چهار هزار نفر در حوزه ی امام صادق علیه السلام شاگردی کردند. ولی بایستی دانست که این ها در یک سطح نبودند از یک طبقه و قشر نبودند بلکه از اصناف مختلف از طبقات مختلف و جایگاه های گوناگونی بودند. البته برجسته ترین آنها شاگردان مکتب خود آن حضرت هستند که در چارچوب مکتب تشیع رشد یافتند.

\*امتیازات جریان فکری و مکتب امام صادق علیه السلام چه چیزهایی است؟

یکی از امتیازاتی که در عصر امام صادق علیه السلام وجود داشت و بایستی آن را نمونه و الگوی عصر روزگار خودمان محسوب کنیم این بود که حضرت از فرصت طلایی که برایشان پیش آمد کمال استفاده را کرده و فرصت سوزی نکردند. یکی از امتیازاتی که در اندیشه و جریان فکری مکتب امام صادق علیه السلام وجود دارد ژرف اندیشی و عمیق شدن در لایه های عمیق و زیرین دین است. بعضی ها به سطحی گرایی و ظاهرگرایی خود را مشغول کردند و متأسفانه از همین سطحی نگری و ظاهرگرایی هم انحراف و تحریف ایجاد شده است. امروزه هم کسانی که با یک سطح از ظواهر علم و دین آشنا هستند، اظهار نظراتی می کنند

که هرگز با اصول و مبانی سازگار نیست. امروز اظهار نظرهایی که از برخی از اشخاص حتی کسانی که به هر حال جایگاه اجتماعی قابل توجهی هم دارند ارائه می شود و به عنوان اسلام و به عنوان مکتب تشیع و به عنوان کسی که از علوم اهل بیت خبر می دهد ارائه می شود که به هیچ وجه با اصول و ارزش های تنیده شده با معارف اسلامی سازگاری ندارد و این به جهت آن است که از عمق و از اندیشه ی ژرفی که امام علیه السلام برای جامعه ی علمی حوزوی و دانشگاهی ترسیم کرده است، برخوردار نیستند.

جا دارد که آن ژرف نگری و بنیان نهادن اصول و قواعدی که امام علیه السلام در مسائل کلامی، مسائل فلسفی، مسائل انسان شناسی، تفسیر، معارف و فقه عطا فرموده اند را کارشناسان ما توجه کنند و خود را به اصطلاح عالم دینی فرض نکنند و از جایگاه عالم دینی اظهار نظر نکنند که این موجب انحراف، تحریف، تشتت و حیرت در جامعه ی اسلامی می شود یکی از امتیازات بالا و ارزشمند امام صادق ژرف نگری و عمیق شدن در لایه های اصیل و ریشه دار کردن دین و استوار و محکم کردن بنیان های دین است. رشد علمی که در زمان امام صادق اتفاق افتاد بسیار ویژه بود و جایگاه خاصی پیدا کرد که ما بعد از هزار و چهارصد سال هم اکنون هم بر سر آن سفره نشسته ایم. اگر حوزه های ما خودشان را تابع آن مکتب و آن حوزه می دانند بایستی از این ویژگی ها و از این خصلت ها و امتیازات و شاخص هایی که امام علیه السلام برای حوزه های علمیه ترسیم فرمودند استفاده کنند.